

ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی  
مطالعه موردی: روستای قرن آباد  
حسنعلی فرجی سبکبار<sup>۱</sup>، افشین خاکی<sup>۲</sup> و مرتضی نعمتی<sup>۳</sup>

چکیده

زنان به عنوان یکی از گروه‌های تاثیرگذار، نقش مهمی در جامعه روستایی بر عهده دارند. از اینرو افزایش مهارت‌های زنان روستایی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده روستایی و در نتیجه زندگی روستایی داشته باشد. در این مطالعه رابطه میان توانمندی زنان روستایی و میزان استفاده از ICT با شیوه تحلیلی توصیفی بررسی شده است. نتایج این مطالعه که به صورت میدانی در روستای قرن‌آباد انجام شده است، نشان می‌دهد که زنان در سطوح بالای استفاده از فناوری، درجات بالاتری از توانمندی را حائز هستند. در ابعاد توانمندی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی) نیز تاثیرات ICT بر روی ابعاد فردی و روانی مشهودتر است. از طرفی استفاده از فناوری رابطه معناداری را با تغییر نگرش زنان نسبت به نقش زن در جامعه روستایی نشان می‌دهد.

کلیدواژگان: زنان روستایی، توانمندی، فناوری اطلاعات و ارتباطات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

۱. استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران  
۲. دانشجوی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی  
۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستائی

## مقدمه

در سال‌های اخیر درخواست بهره‌گیری از راه کارهای مرتبط با ICT برای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه قابلیت‌ها و امکانات زیادی را جهت ایجاد یک تحول به وجود آورده است. بدست دادن فرصت‌های فراوان برای بخش زیادی از جمعیت مناطق روستایی جهت عبور از شکاف دیجیتالی<sup>۱</sup> و دسترسی به منابع اطلاعاتی و فراهم آوری خدمات بوسیله فن آوری اطلاعات و ارتباطات، می‌تواند اولین مرحله این تحول باشد (Mathur, ۲۰۰۵, ۲). بر این مبنا منافع حاصل از انقلاب اطلاعات و ارتباطات تنها به شهروندان و اشخاص خاص محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند تاثیرات وسیعی بر اقتصاد ملی و جهانی در مفهوم کلان آن داشته باشد (Gunasekaran, ۲۰۰۷, ۲۴).

در این ارتباط می‌توان اذعان کرد که توسعه دیجیتالی نواحی روستایی درهای جدیدی برای استفاده روستاها از امکانات نامحدود باز می‌کند و ارتباطات روستایی را به گونه‌ای که تاکنون تصور نشده است، تغییر می‌دهد (Malecki, ۲۰۰۳, ۲۱۱) و بر این اساس دسترسی به تکنولوژی اطلاعات برای جوامع روستایی جهت جذب و نگهداشت مشاغل خود و زنده ماندن از نظر اقتصادی در حال تبدیل شدن به یک ضرورت است (Hollifield, ۲۰۰۳, ۱۳۵).

ارتباطات در مناطق روستایی با واقعیاتی مانند اختلاف شدید در خدمات ارتباطی و اطلاعاتی میان شهر و روستا، محدودیت خدمات عمومی، عدم وجود پرسنل ماهر، نیاز بالا به خدمات بهداشتی و آموزشی و مانند آن همراه است (Kawasumi, ۲۰۰۵, ۲&۳). امکاناتی که فنآوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی برای چنین نواحی جهت چیره شدن به تاثیرات منفی فاصله از بازارهای مرکزی فراهم می‌کند، به اندازه‌ای قابل توجه و مهم است که می‌توان ادعای اغراق رفته راه انزوا را در پیش می‌گرفتند، به یکباره امکانی گسترده و بی نظیر را برای ایجاد ارتباط با سایر مناطق به خود دیدند. (Seames, ۲۰۰۰, ۱۳).

دو جنبه اصلی سواد ICT که امروزه به عنوان معیاری برای ارزیابی سواد افراد به شمار می‌آید، عبارتند از: ۱) استفاده از تکنولوژی دیجیتالی، ابزارهای ارتباطی، و شبکه‌ها برای دسترسی، مدیریت، جمع آوری، ارزیابی و ساختن اطلاعات جهت کاربرد در یک جامعه دانایی محور (International ICT Literacy Panel, ۲۰۰۲, ۲)؛ و ۲) استفاده از تکنولوژی به عنوان ابزاری برای جستجو، سازماندهی، ارزیابی و ارتباط اطلاعاتی، بدست آوردن اطلاعات اساسی و

---

۱. Digital Gap

استفاده از آنها (Holfeld, ۲۰۰۸, ۱۶۴۹). باید اذعان کرد که با گسترش اینترنت، پست الکترونیکی، خدمات تلفن بین المللی ارزان، تلفن همراه و سایر پیشرفت‌های ارتباطی اجزای جهان به هم پیوسته تر شده است (کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، ۱۳۸۴، ۳۷). در این رهگذر برای گروه‌هایی از جمعیت روستایی مانند زنان روستایی که تاکنون به دلایل مختلف در انزوا و محدودیت اقتصادی و اجتماعی قرار داشته اند، فرصت‌های چشمگیری فراهم شده است تا از مجرای فناوری‌های نوین؛ که مرزهای جنسیتی در روابط انسانی را دچار چالش کرده است، فاصله جنسیتی را به عنوان یکی از موانع بروز توانمندی‌های خود کاهش دهند.

### طرح مسئله

زنان را می‌توان از جمله گروه‌های اجتماعی تاثیرگذار در زندگی روستایی به شمار آورد. وضعیت زن در خانواده روستایی به گونه‌ای است که خانه داری و کارهای تولیدی را با هم انجام می‌دهد. زن روستایی در عین حال که خانه دار است و در نگهداری و تعلیم و تربیت اطفال وظیفه مهمی بر عهده دارد، در امور زراعی، پرورش دام و طیور، صنایع دستی و گاه در فروش محصول و خرید مایحتاج خانواده فعالیت‌های مختلفی را انجام می‌دهد. بنابراین افزایش مهارت‌های آموزشی زن روستایی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوار روستایی و در نتیجه زندگی روستایی داشته باشد. این در حالی است درصد بالایی از زنان روستایی از فقدان یا کمبود فرصت‌های مناسب جهت دستیابی به آموزش، استخدام و خدمات اجتماعی در رنجند. در این ارتباط شکاف دیجیتالی<sup>۱</sup> جنسیت به عنوان پیامد جانبی شکاف اطلاعاتی<sup>۲</sup> مطرح می‌شود. منظور از شکاف دیجیتالی جنسیت، فاصله بین زنان و مردان در دسترسی به فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی، تعداد کم دختران و زنان در دوره‌های تحصیلی مرتبط با فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و فقدان یا اندک بودن تعداد زنان در نهادهای تصمیم گیری مرتبط با فناوریهای مذکور است. مهمترین علت ایجاد شکاف دیجیتالی جنسیت، فقدان هدایت جنسیتی در سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت‌ها در هر دو سطح کلان و خرد است (زاهدی، ۱۳۸۴، ۵۲). این در حالی است که در نتیجه کمبود اطلاعات و نبود مطالعات ویژه در زمینه شکاف اطلاعاتی میان شهر و روستا، بسیار مشکل است که هشدارهای لازم در خصوص ضرورت دسترسی ساکنان روستایی به اینترنت و فن آوری اطلاعات و ارتباطات بیان شود (Akca, ۲۰۰۷, ۴۱۱).

۱. Digital Gap

۲. Information Gap

شکاف دیجیتالی را می‌توان بخشی از فرایند ورود به جامعه اطلاعاتی در نظر گرفت، چرا که اساسا متناسب با تفاوت‌های فردی و اجتماعی ایجاد چنین شکافی منطقی به نظر می‌رسد. این در حالی است که صاحب‌نظران و مدیران تلاش می‌کنند تا شکاف موجود به حداقل میزان خود برسد. برای دستیابی به رشد و توسعه پایدار و آموزش زنان، نیازمند درکی عمیق و درست از آموزش مجازی و نیز برنامه ریزی جامع با توجه به بسترها و زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی به منظور پیاده سازی و بومی سازی می‌باشیم (زمانی، ۱۳۸۴، ۲۳)

طی چند سال اخیر اقداماتی در زمینه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در نواحی روستایی کشور انجام شده است که از آن جمله می‌توان به تاکید بر دستیابی به جامعه دانش بنیاد و اطلاعاتی و گسترش کاربرد فناوری اطلاعات در سطح ملی و روستایی درسند چشم انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه، راه اندازی مراکز جامع خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات در چهار روستای کشور به کمک UNDP، تصویب پروژه تجهیز ده هزار روستای کشور به دفاتر فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی و تدوین سند راهبردی توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی کشور اشاره کرد.

این اقدامات، به خصوص ایجاد مراکز جامع خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی در چند روستای کشور از جمله قرن آباد، فرصت مناسبی را فراهم کرده تا ابعاد مختلف تاثیرگذاری این فناوری بر گروه‌های مختلف جامعه روستایی و به خصوص زنان روستایی بررسی و ارزیابی شود. بر این اساس سئوال اصلی این پژوهش آنست که چه ارتباطی میان فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در جامعه روستایی وجود دارد؟

در همین راستا سئوالات فرعی نیز می‌تواند متضمن همین مفهوم در ابعاد مختلف توانمندی زنان روستایی یعنی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی باشد.

### چارچوب نظری تحقیق

در دهه ۱۹۷۰ بود که «دانیل بل»<sup>۱</sup> و «مانوئل کاستلز»<sup>۲</sup> به مفهوم «جامعه اطلاعاتی»<sup>۳</sup> توجه کردند. دانیل بل به عنوان یکی از نخستین نظریه پردازان جامعه اطلاعاتی، دانش را اساس تغییر در تولید از کالا به خدمات دانست. کاستلز نیز به تغییرات اقتصادی و کانون‌های جریان اطلاعات توجه داشت (Pekari, ۲۰۰۵, ۳).

۱. Danial Bell

۲. Manuel Castells

۳. Information Society

متناسب با نوع نگاهی که به موضوع جامعه اطلاعاتی وجود دارد، تعاریف متعددی نیز در این خصوص ارائه شده است. فرانک وبستر<sup>۱</sup> جامعه شناس انگلیسی بر این باور است که در رابطه با اینکه بر چه بعدی از جامعه اطلاعاتی تکیه می‌شود، تعاریف ارائه شده برای جامعه اطلاعاتی به پنج دسته فرهنگی، اقتصادی، شغلی، تکنولوژیک و فضایی تقسیم می‌شوند (وبستر، ۱۳۸۰، ۲۱).

در این ارتباط پیدایی و پیشرفت اینترنت، در ایجاد شرایط گذار از «جامعه صنعتی» به «جامعه اطلاعاتی»، جایگاه برجسته‌ای پیدا کرده است. شبکه اینترنت، که اکنون به قول برخی از محققان ارتباطی، ستون فقرات ارتباطات اطلاعاتی سراسری کره زمین و به عبارت دیگر، «شبکه شبکه‌های اطلاع رسانی» جهان شناخته می‌شود، معرف ساختار تحول یافته یک شبکه اطلاعاتی است (معمد نژاد، ۱۳۸۴، ۱۵). با این تفسیر می‌توان گفت که: «جامعه اطلاعاتی محصول استفاده از رایانه‌ها و سایر رسانه‌های الکترونیکی و دیداری و شنیداری است» (فیدر، ۱۳۸۰، ۱۳۵).

مفهوم جامعه اطلاعاتی که در واقع به دسترسی نامحدود زمانی و مکانی افراد به اطلاعات دلالت دارد، در درون خود مفهوم دیگری به نام شکاف دیجیتالی را متضمن می‌شود. مفهوم شکاف دیجیتالی، پیشتر به عنوان تفاوت در داشتن یا نداشتن، استفاده کردن یا نکردن و دانستن یا ندانستن چگونگی استفاده از کامپیوتر و اینترنت تلقی می‌شد (Cigdem, ۲۰۰۸, ۲)، اما اخیراً کلمه کامپیوتر و اینترنت با عبارت «شکل‌های جدید فن آوری اطلاعات»<sup>۲</sup> عوض شده است (Van Dijk, ۲۰۰۶).

شکاف دیجیتالی به طور کلی به تفاوت‌های اجتماعی اقتصادی در استفاده از ICT اطلاق می‌شود (Vehovar, ۲۰۰۶). در یک جمع بندی کلی دو حوزه برای شکاف دیجیتالی وجود دارد: شکاف دیجیتالی محلی و شکاف دیجیتالی بین‌المللی (Ono & Zzavodny, ۲۰۰۶).

بر اساس تعریف سازمان تعاون و توسعه اقتصادی (OECD)<sup>۳</sup>، شکاف دیجیتالی عبارت است از شکاف میان اشخاص، خانواده‌ها، مشاغل و نواحی جغرافیایی در تفاوت سطح اقتصادی اجتماعی با ملاحظه فرصت‌های دسترسی آنها به فن آوری اطلاعات و ارتباطات (Cigdem, ۲۰۰۸, ۲). شکاف دیجیتالی زمانی روی می‌دهد که نابرابری در دسترسی به خدمات اطلاعاتی و ارتباطی در بین گروه‌هایی از جمعیت به وجود آید. این مسئله دارای ابعاد گوناگون جغرافیایی، جمعیتی، و اقتصادی اجتماعی است (Yaguchi, ۲۰۰۸, ۳۴۰).

۱. Frank Vebster

۲. New forms of information Technology

۳. Organization for Economic Cooperation and Development

دیدگاه‌های موجود در مورد حذف شکاف دیجیتالی را به دو دسته کلی تقسیم کرد. گروه اول معتقدند شکاف دیجیتالی تنها با دسترسی جهانی به اینترنت قابل حل است (Adulis, ۲۰۰۱, ۵) را با حمایت از زیرساخت شاهره‌های اطلاعاتی ارتقاء بخشند (Liou, ۲۰۰۲, ۷).

در مقابل دیدگاه اول، دیدگاه دیگری وجود دارد که عامل ایجادکننده شکاف دیجیتالی را وجود شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی می‌دانند و شرط از بین رفتن شکاف دیجیتالی را از بین بردن شکاف اجتماعی بیان می‌کنند (Samiullah & Rao, ۲۰۰۲, ۱۷۷).

در خصوص مناطق روستایی مفهوم شکاف دیجیتالی موضوعیت بیشتری دارد. در مناطقی که ICT به درون نواحی روستایی نفوذ کرده، شواهد حاکی از تفاوت دسترسی به فناوری بین لایه‌های جمعیتی است، که باعث شده شکاف اطلاعات دیجیتالی حتی در جوامع روستایی نیز به وجود آید. در این حال افزایش عدم تعادل اطلاعاتی ممکن است با پیامدهای معکوسی برای تعادل نیروی انسانی بازار همراه باشد (لینچ، ۱۳۸۶، ۱۷۲).

به نظر می‌رسد که هر تلاشی برای کم کردن شکاف دیجیتالی باید با تلاش‌ها در زمینه مبارزه با شکاف اجتماعی، همراه شود. بر این اساس، شکاف دیجیتالی به عنوان محصول دیگر شکاف‌ها شناخته می‌شود که اگر با آنها برخورد نشود ادامه یافته و رشد خواهد یافت. از این منظر، اینترنت به تنهایی تعیین کننده تغییر نیست؛ بلکه تنها یک ابزار و تسهیل کننده است. در این دیدگاه‌ها، زمینه اجتماعی که فناوریها در آن شکل می‌گیرد، تعیین کننده کاربردها و آثار آن محسوب می‌شود (Adulis, ۲۰۰۱, ۵).

به طور کلی کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه روستایی به صورت خاص در جنبه‌های زیر دسته بندی شده است:

- سیستمی برای حمایت تصمیم گیری مجریان،
- سیستمی برای توسعه خدمات رسانی به شهروندان، و
- سیستمی برای توسعه دسترسی شهروندان به اطلاعات و قادر ساختن آنها در زمینه اتصال به شبکه و به اشتراک گذاشتن اطلاعات (Vedakumari, ۲۰۰۵, ۴۰۱).

بر این مبنای فناوری اطلاعات و ارتباطات برای مناطق روستایی مزایای بیشماری را به همراه خواهد داشت. آکا<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) مزایای فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای مناطق روستایی را به صورت زیر تصویر نموده است:

۱. Hasan Akca

## شکل شماره (۱): نتایج احتمالی ICT برای محیط روستایی



Hasan Akca, ۲۰۰۷

میزان کاربرد فناوری نیز تحت تاثیر عواملی مانند سن، رفتار (عادت) جستجوی اطلاعات و انگیزه اقتصادی کاربران قرار دارد (Raju, ۲۰۰۵, ۵۶۰). این در حالی است که کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در شهرها و روستاها روز به روز به یکدیگر نزدیک می‌شوند، لیکن مزایای این کاربردها برای روستاییان به مراتب بیشتر خواهد بود (جلالی، ۱۳۸۵، ۲۹).

با این تفاسیر به نظر می‌رسد که فناوری اطلاعات و ارتباطات اگر چه از طریق ایجاد شکاف دیجتالی فاصله میان گروه‌های مختلف اجتماعی مانند زنان و مردان را افزایش می‌دهد، اما در صورت وجود زمینه‌های لازم می‌توانند موجبات توانمندسازی گروه‌هایی از افراد جامعه که پیش از این در انزوا بوده اند را نیز فراهم سازد. از طرف دیگر یکی از نظریاتی که در خصوص توسعه روستایی مطرح است، نظریه توسعه پایدار روستایی است. توسعه پایدار روستایی فرایندی پویاست که موجب توانمند شدن همه مردم در تشخیص پتانسیل‌های خود و بهبود کیفیت زندگیشان با روش‌هایی می‌شود که به طور همزمان سیستم‌های حمایت از زندگی زمین را حفاظت کرده و افزایش می‌دهد (Moseley, ۲۰۰۳, ۲۰). در این رهگذر می‌توان جایگاه ویژه‌ای را برای فناوری اطلاعات و ارتباطات به واسطه فراگیر بودن آن در نظر گرفت.

## روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از شیوه تحلیلی و توصیفی به بررسی مسئله پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان باسواد بالای ۱۵ سال در روستای قرن آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان گرگان می‌باشد، که از جمله پیشروترین روستاهای کشور در زمینه توسعه ICT می‌باشد. این روستا دارای یک مرکز جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی است که بدلیل خدمات که در سالهای گذشته به روستاییان ارائه داده است، مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونسکو قرار گرفته است و از این نظر می‌تواند به عنوان الگویی مناسب برای توسعه ICT روستایی در کشور به شمار آید.

تعداد نمونه نیز از طریق نمونه‌گیری تصادفی مشخص شد. از آنجا که کل زنان باسواد روستای قرن آباد ۷۲۰ نفر می‌باشند بر مبنای فرمول کوکران ۶۳ نفر به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شد. از این تعداد ۳۸ نفر کاربر ICT و ۲۵ نفر غیر کاربر می‌باشند. گروه شاهد در این پژوهش شامل زنان باسواد غیر کاربر ICT است.

فرضیه اصلی پژوهش آنست که رابطه معناداری میان میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی وجود دارد. فرضیه‌های فرعی نیز در خصوص هر کدام از ابعاد توانمندی زنان روستایی قابل طرح است. شاخص‌های این پژوهش در دو گروه شاخص‌های میزان استفاده از فناوری و شاخص‌های توانمندی زنان در نظر گرفته شده است. به منظور ارزیابی توانمندی زنان در این دو گروه از زنان، شاخص‌های توانمندی در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی با الهام از پرسشنامه‌های مطرح در این خصوص به صورت جدول شماره (۱) استخراج شد. این شاخص‌ها بوسیله گویه‌های استاندارد و در قالب یک پرسشنامه تدوین و در اختیار ۶۳ نفر از زنان روستا (در دو گروه زنان کاربر و زنان غیر کاربر) قرار داده شد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۱: مولفه‌ها و شاخص‌های توانمندی زنان در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی

مولفه‌ها	شاخص‌ها
توانمندی اقتصادی	کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام، قدرت پس انداز کردن
عزت نفس	احساس موفقیت در زندگی و داشتن توانایی‌های زیاد، احساس رضایت از خود، توانایی کمک موثر به اطرافیان در صورت بروز مشکل، احساس شرمندگی از خود در غالب اوقات، احساس بی فایده بودن در گاهی اوقات
خوداثربخشی	احساس توان بهبود وضع آینده خود و خانواده، احساس ناتوانی در تغییر زندگی خود و خانواده با امکانات موجود، باور به حل مشکل با سعی و تلاش در صورت رویارویی با آن، خود اتکایی در مواجهه با مشکل، احساس بی فایده بوده تلاش‌های فردی و بدتر شدن فزاینده وضع زندگی، توانایی حفظ خونسردی در برخورد با مشکلات، توان استفاده از مهارت‌ها برای اداره زندگی
استقلال فکری	خرید یا تغییر منزل، مدیریت خرج خانه، تعیین مدرسه و رسیدگی به مسائل تحصیلی فرزندان
احساس قدرت	باور به داشتن توان در تغییر سرنوشت، باور به داشتن توان اثرگذاری بر رویدادهای جامعه، باور به داشتن توان از بین بردن فقر و نیازمندی
توانمندی سیاسی	شرکت در انتخابات، شرکت در راهپیمایی
مشارکت اجتماعی	شرکت در مجالس مذهبی مانند روضه خوانی، سفره و ... شرکت در فعالیت‌های خیریه مانند کمک به سالمندان و تهیه مواد خوراکی برای زلزله زدگان، همکاری با همسایگان و انجام فعالیت‌های گروهی

شاخص‌های فناوری نیز بر اساس میزان و سطح استفاده از فناوری در قالب گویه‌هایی تنظیم و به همراه پرسشنامه توانمندی در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. این گویه‌ها به نحوی تنظیم شد که از ساده ترین کاربری‌های رایانه و اینترنت شروع شده و به تدریج کاربری‌های تخصصی تر را در بر می‌گرفت.

در نهایت تمامی گویه‌ها بر مبنای طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم و روایی آن بر مبنای آزمون آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مختلف بین ۰/۷ تا ۰/۹ بدست آمد که روایی قابل قبولی به شمار می‌آید. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم افزار SPSS شده است.

## یافته‌های پژوهش

متناسب با ماهیت مسئله و جامعه آماری پژوهش، برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی از آزمون  $t$  و برای محاسبه میزان همبستگی (با توجه به آنکه داده‌ها از نوع فاصله‌ای می‌باشند) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر این اساس فرضیه‌های آماری تحقیق به شرح زیر مفروض می‌باشند:

فرضیه صفر: همبستگی معناداری میان میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی وجود ندارد.

فرضیه جایگزین: همبستگی معناداری میان میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی وجود دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده که در جدول شماره (۲) آورده شده، فرضیه صفر در سطح معنی داری ۹۹ درصد رد می‌شود و فرضیه جایگزین پذیرفته می‌شود، بدین معنی که وجود همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و توانمندی زنان روستایی با اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌شود. مقدار این همبستگی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون  $0/494$  برآورد شده است.

جدول ۲: همبستگی میان شاخص کلان توانمندی زنان و سطح استفاده از فناوری

شاخص‌ها		شاخص فناوری	شاخص توانمندی
شاخص فناوری	ضریب همبستگی پیرسون	۱	$0/494^{**}$
	سطح معناداری	۰	$0/000$

\*\* Correlation is significant at the  $0.01$  level (۲-tailed).

تایید وجود همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان روستایی بررسی این رابطه در سطوح جزئی تر توانمندی را ممکن می‌کند، از اینرو در ادامه وجود همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در هر کدام از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۳) وجود رابطه همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در بعد روانی در سطح معنی داری ۹۹ درصد تایید شده

است که میزان همبستگی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون  $0/526$  می باشد. این در حالی است که وجود این رابطه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی تایید نمی شود. در کنار این بررسی و با استفاده از داده های جمع آوری شده و نتایج جدول (۳) وجود همبستگی بین توانمندی اجتماعی با توانمندی روانی و سیاسی در سطح معنی داری  $99$  درصد تایید و مقدار آنها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بترتیب  $0/421$  و  $0/358$  برآورد شده است. همچنین وجود رابطه همبستگی بین توانمندی روانی با توانمندی سیاسی و اقتصادی در سطوح معنی داری  $99$  و  $95$  درصد تایید و مقدار آنها استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بترتیب  $0/500$  و  $0/542$  برآورد شده است. در نهایت وجود همبستگی بین توانمندی اقتصادی با توانمندی روانی در سطح معنی داری  $95$  درصد تایید و مقدار ضریب همبستگی پیرسون  $0/542$  بدست آمده است.

جدول ۳: همبستگی میان مجموع شاخص های توانمندی زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی،

سیاسی و روانی با سطح استفاده از فناوری

شاخص ها	شاخص فناوری	توانمندی اجتماعی	توانمندی روانی	توانمندی سیاسی	توانمندی اقتصادی	
شاخص فناوری	همبستگی پیرسون	۱	$0/248$	$0/526(**)$	$0/249$	$0/040$
	سطح معنی داری	۰	$0/062$	$0/000$	$0/060$	$0/854$
توانمندی اجتماعی	همبستگی پیرسون	$0/248$	۱	$0/421(**)$	$0/358(**)$	$-0/039$
	سطح معنی داری	$0/062$	۰	$0/002$	$0/004$	$0/848$
توانمندی روانی	همبستگی پیرسون	$0/526(**)$	$0/421(**)$	۱	$0/500(**)$	$0/542(*)$
	سطح معنی داری	$0/000$	$0/002$	۰	$0/000$	$0/014$
توانمندی سیاسی	همبستگی پیرسون	$0/249$	$0/358(**)$	$0/500(**)$	۱	$-0/100$
	سطح معنی داری	$0/060$	$0/004$	$0/000$	۰	$0/619$
توانمندی اقتصادی	همبستگی پیرسون	$0/040$	$-0/039$	$0/542(*)$	$-0/100$	۱
	سطح معنی داری	$0/854$	$0/848$	$0/014$	$0/619$	۰

\*\* Correlation is significant at the  $0.01$  level (2-tailed).

\* Correlation is significant at the  $0.05$  level (2-tailed).

در این مرحله از پژوهش به منظور ارائه نتایج دقیق تر، وجود همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در زیر سنجه‌های توانمندی در ابعاد روانی و اجتماعی بررسی شده است.

از آنجا که رابطه همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و زیر سنجه‌های اقتصادی و سیاسی معنا دار نبوده، در این بخش تنها زیر سنجه‌های اجتماعی، روانی در جدول شماره (۴) آورده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۴) وجود رابطه همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در بعد روانی با زیر سنجه‌های عزت نفس و استقلال فکری در سطح معنی داری ۹۹ درصد و با زیر سنجه‌های خود اثر بخشی و احساس قدرت در سطح معنی داری ۹۵ درصد تایید شده است. مقادیر آنها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بترتیب ۰/۴۱۹، ۰/۳۹۴، ۰/۳۴۳ و ۰/۳۰۸ برآورد شده است. همچنین وجود رابطه همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در بعد اجتماعی با زیر سنجه تغییر نگرش نسبت به زنان در سطح معنی داری ۹۹ درصد تایید و مقدار آن ۰/۳۹۴ برآورد شده در حالیکه وجود چنین رابطه‌ای با زیر سنجه مشارکت اجتماعی تایید نشده است.

نتایج جنبی داده‌ها در جدول (۴) وجود رابطه همبستگی معنادار بین عزت نفس افراد با خود اثر بخشی و تغییر نگرش نسبت به نقش زنان در سطح ۹۹ درصد و استقلال فکری در سطح معنی داری ۹۵ درصد به ترتیب با مقادیر ۰/۴۰۱، ۰/۵۴۵ و ۰/۳۰۱ نشان می‌دهد. از طرفی وجود رابطه همبستگی معنادار بین خود اثر بخشی افراد با استقلال فکری و احساس قدرت در سطح ۹۹ درصد و به ترتیب با مقادیر ۰/۶۰۶ و ۰/۳۹۵ تایید شده است.

در نهایت استقلال فکری با احساس قدرت در سطح معناداری ۹۹ درصد و استقلال فکری با تغییر نگرش نسبت به زنان در سطح معنی داری ۹۵ درصد، به ترتیب با مقادیر ۰/۴۵۴ و ۰/۳۲۱ تایید شد.

جدول ۴: همبستگی میان زیرسبج‌های توانمندی زنان در ابعاد اجتماعی و روانی با سطح استفاده از فناوری

توانمندی اجتماعی	توانمندی روانی					شاخص فناوری		
	تغییر نگرش نسبت به زنان	مشارکت اجتماعی	احساس قدرت	استقلال فکری	خود اثربخشی			
						۱	همبستگی پیرسون	توانمندی فردی
						۰	سطح معنی داری	
						۱	همبستگی پیرسون	عزت نفس
						۰	سطح معنی داری	
						۱	همبستگی پیرسون	خود اثربخشی
						۰	سطح معنی داری	
						۱	همبستگی پیرسون	استقلال فکری
						۰	سطح معنی داری	
						۱	همبستگی پیرسون	احساس قدرت
						۰	سطح معنی داری	
						۱	همبستگی پیرسون	مشارکت
						۰	سطح معنی داری	
						۱	همبستگی پیرسون	تغییر نگرش نسبت به نقش زنان
						۰	سطح معنی داری	

\*\* Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).

\* Correlation is significant at the ۰.۰۵ level (۲-tailed).

### جمع بندی و نتیجه گیری

وجود ارتباط مستقیم میان فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در جامعه روستایی را می‌توان به عنوان اصلی ترین نتیجه این پژوهش مورد تاکید قرار داد. به این معنی که استفاده کنندگان از فناوری در سطوح بالا از نظر شاخص‌های توانمندی در وضعیت بهتری قرار دارند. در این ارتباط و با بررسی‌های جزئی تر مشخص شد که استفاده از فناوری بروی ابعاد فردی و روانی افراد تاثیر گذارتر می‌باشد، و باعث توانمندی زنان در این زمینه‌ها شده است و حتی در بخش اجتماعی نیز استفاده از فناوری رابطه همبستگی معناداری با تغییر نگرش نسبت به زنان دارد که بیشتر یک خصوصیت فردی است. این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که جنبه‌های اقتصادی و سیاسی استفاده از فناوری در جوامع روستایی یا هنوز به دلیل عدم وجود زمینه‌های لازم شکل نگرفته است و یا آنکه هنوز به عنوان یک کاربرد ضروری برای این فناوری مطرح نشده است.

در مجموع می‌توان اذعان کرد که فناوری اطلاعات و ارتباطات بدلیل ماهیت ویژه خود که به صورت خاص محدودیت‌های جنسی و سنی را چندان بر نمی‌تابد، می‌تواند نقش ارزنده‌ای در افزایش توانمندی زنان روستایی داشته باشد. همانگونه که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، زنان با بهره‌گیری از این فناوری می‌توانند شکاف اطلاعاتی خود با مردان را کاهش داده و از این طریق علاوه بر برخورداری از حقوقی که شایسته آنان است، نقش ارزنده‌ای در ارتقاء جایگاه خانواده روستایی از طریق تربیت فرزندان داشته باشند.

بر این اساس توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات به خصوص در نواحی روستایی می‌تواند با ایجاد زمینه‌های لازم برای بروز توانمندی‌های زنان در ابعاد مختلف، فرصت‌های فراوانی برای این گروه از جامعه روستایی فراهم آورد.

با نظر به مبانی تئوریک این پژوهش می‌توان گفت فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند زمینه‌های لازم برای کاهش شکاف اطلاعاتی زنان و مردان در جامعه روستایی را فراهم کرده و از این طریق ضمن افزایش نقش زنان، موجب پویایی اجتماعی در محیط‌های روستایی شود.



## منابع

- ۱) جلالی، علی اکبر (۱۳۸۵)، روستای الکترونیکی، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران، چاپ اول
- ۲) زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۴)، شکاف دیجیتالی جنسیت، نمودی از نابرابری در جامعه اطلاعاتی، مجموعه مقالات همایش سراسری زنان و اینترنت در هزاره سوم، تهران
- ۳) زمانی، بی بی عشرت و همکاران (۱۳۸۴)، تاثیر آموزش مجازی بر کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش، مجموعه مقالات همایش سراسری زنان و اینترنت در هزاره سوم، تهران
- ۴) فیدر، جان (۱۳۸۰)، جامعه اطلاعاتی، ترجمه علی رادباوه و همکار، نشر کتابدار، تهران
- ۵) کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴)، گفتگوهایی با مانوئل کاستلز، نشر نی، تهران
- ۶) کمیسیون بررسی ابعاد جهانی شدن (۱۳۸۴)، جهانی شدن منصفانه، ترجمه عبدالصمد علیقلیان، انتشارات شرکت علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول
- ۷) لینچ، کنت (۱۳۸۶)، روابط متقابل شهر و روستا در کشورهای در حال توسعه، انتشارات پیام، تهران، چاپ اول
- ۸) معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۲)، اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی، انتشارات مرکز پژوهش‌های ارتباطات، تهران، چاپ اول
- ۹) وبستر، فرانک (۱۳۸۰)، نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، انتشارات قصیده سرا، چاپ دوم، تهران